

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل یابیدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند.

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مقتلف جهان، از مصلحی _ که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به بنیادها و فیاتهای ضد انسانی فاطمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد _ سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چین می نویسد:
«موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از فراوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه فراوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دلهای فراپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و متی در میان مصریان قدیم و بومیان و متی مکزیکی و نظایر آنها نیز می توان یافت».

آری! عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسائلی بسیار مهم و حساس است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد، و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الهادی، همه و همه بران عقیده دارند.

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب کوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان در باره نام آن بزرگوار باهم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهری موعود منتظر(علیه السلام)»، و پیروان سایر ادیان و مکتبها و ملتها و توده های مبروم، وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی»، یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منبئ اعظم» می نامند؛ ولی در باره اوصاف کلی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت و امر جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند.

جالب توجیه این که حتی در این اواخر نیز، این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان: «لزوم تشکیل حکومت و امر جهانی» در سطح وسیعی مطرح گردیده است: «در عصر افیروز دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسایل علمی نصیب بشریت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است».

آری! امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های ناسالم نظامی، بازیهای خطرناک سیاسی، و احساس یأس و ناامیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نا بسامان کنونی، تشکیل حکومت و امر جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.

بنابراین، برغم افکار بیمارگونه کوتاه نظران کج اندیش که می پندارند مسأله مهرویت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان، از مقتضات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می کوشند تا با تلاش مزبومانه خود آن را در یک مکتب خاص محصور کنند، این مسأله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد؛ بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه اُمّتها و ملتها و پیروان ادیان - و حتی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز - در این عقیده و مرام باهم شریک اند.

ابصالح (ع) اصالت اعتقاد به ظهور منجی

عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، و به برکت ظهور یک شفصیت ممتاز الهی همه تاریکیها از پهنه کیتی برپیده شود، و ریشه ظلم و جَول و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمانها بین تمام ملتها شایع و رایج بوده است.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و متی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آفر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف دآوری کند.

آنچه از تاریخ اُمّتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلی در آفر الزمان به نام منبی موعود جهانی به قرری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لظه شماری می کنند.

برای اثبات این مطلب، کافی است بدانیم که عقیده به ظهور یک «نجات دهنده» متی از نظر یهود و نصاری نیز قطعی است. و متی این که در میان همه طوایف یهود و همه شافه های مسییت وجود این عقیده قطعی و مسلم است.

انتظار ظهور «منجی» در بین یهود و نصاری

نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس مقدّس»، درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» چنین می نویسد:

«عبرانیان منتظر قدوم مبارک «مسیح» نسلاً بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک... مکرراً در «یهود» و کتب انبیا، علی الخصوص، در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «بیمای تعمید دهنده» آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن

«یهود» آن نبوت (پیشگوییها) را نفهمیده با خود همی اندرپسیرند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد، و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان، رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد».

نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس» در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت می کشاید که دعوت عیسی مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منبی واپسین و مژده اش را کتاب مقدسشان داده بود و سالها در انتظارش در التوایب سوزان لفظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتی وی را جنایتکار به ملت اسرائیل، و تعالیمش را، ضد آرمان اساسی کتب مقدس «عهد عتیق» (تورات و مملقات آن) دانستند، ناچار به ماکمه اش فراخوانند و به اعدام مکومش کردند، و همپنان با اساس غبنی بانگه مجرداً در انتظار «مسیح موعود» و رهایی بخش از رنج و ستم، نشستند.

مسیحیان، با این که حضرت عیسی (علیه السلام) را «مسیح موعود» یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او اساس ناتمامی کردند، یکباره امیدشان از «زمان حال» برگنده شد؛ حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار «مسیح» و بازگشت وی از آسمان، در پایان جهان نشستند.

طبق نوشته «مستر هاکس» آمریکایی، در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» کلمه «پسر انسان» ۱۰ بار در «انجیل» و مملقات آن (عهد جدید) به کار رفته که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق است، و ۵ مورد دیگر از «مصلح» و نجات دهنده ای سفن می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد [۴]:

مسیح های دروغین

اعتقاد به ظهور یک «منهی بزرگ جهانی» و اشتیاق، به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت، مدعیان شگفتی را پدید آورده، و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ «مسیح موعود» معرفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب «قاموس کتاب مقدس» در باره شماره مدعیان دروغین «مسیح موعود» می نویسد:

«۲۴ نفر مسیحیان (مسیح های) دروغو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها «برکوبه» است که در اوایل قرن ثانی می زیست. و آن دجال معروف ادعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است.

و در ماه دوازدهم تمیماً ده نفر از مسیحیان، - یعنی: مسیح های دروغگو - ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه شمشیر گردیدند. و آخرین مسیحیان - مسیح های دروغگو - «مردفای» است. او شفوی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتعال نائره فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد.

نویسنده کتاب «پیامه ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد:

«متأسفانه اطلاع مؤلف آمریکایی - کتاب «قاموس کتاب مقدس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن «همدان» بوده است - درباره شماره مدعیان «مسیحی» و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست. شماره این مدعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یاد آور شده است، همچنین قیام «مردفای» آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «مسیح موعود» ظهور کرده اند، و اغتشاشهایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند.»

«البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین متعدّد ظهور کرده اند. از جمله، یکی از مسیح های یهودی، «داود آل روی» از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدعی شد که او «مسیح

موعود» است. [۶]

عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود

مسئله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است، و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد. سر منشأ این اعتقاد کهن و ریشه دار، علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان - که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل، و برقراری نظام صلح و امنیت در سرتاسر جهان است - نویرهای بی شائبه پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است.

تمام پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریت الهی خود به عنوان جزئی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در آخر الزمان و در پایان روزگار، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات

خواهد داد و فسار، بی (بی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مقتلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و تکرش به اخسانه های دیگر اقوام مقتلف بشری، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مقتلف جهان با آن همه افتلاف آرا، عقاید و اندیشه های متضادی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی، بسر می برند.

اینک برای این که در باره این موضوع سنی به کزاف نگفته باشیم فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مقتلف جهان در اینجا می آوریم:

۱ - ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرزا سپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲ - گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیفسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیویم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از کیتی براند.

۳ - نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر بر فیروز و تمام قبایل اسلاو را متمدن سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۴ - نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۵ - اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کرابیویچ» را داشتند.

۶ - برهمنیان از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخر زمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را فوهد کشت، و تمام دنیا «برهمن» گردد و به این سعادت برسد.

۷ - ساکنان جزایر انگلستان، از پنزین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «ارتور» روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۸ - اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان فوهد کشور.

۹ - سنت ها می گویند: پس از بروز آشوبهایی در جهان، «یورپان بور وینیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود درخواهد آورد.

۱۰ - اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه پیره می شود.

۱۱ - اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوفس» می باشند.

۱۲ - اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزکوتل» نبات بفش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.

۱۳ - چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نبات می دهد.

۱۴ - زرتشتیان معتقدند که: «سوشیانس» (نبات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نبات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.

۱۵ - قبایل «ای پور» معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی «ادگر» در پایان جهان است.

۱۶ - گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود، اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.

۱۷ - گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند.

۱۸ - ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب های مقدس خود، در انتظار مصلی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۹ - یونانیان می گویند: «کالویبرگ» نبات دهنده بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نبات خواهد داد.

۲۰ - یهودیان معتقدند که در آخر زمان «ماشیح» (مهدی بزرگ) ظهور می کند و اید الابد در جهان حکومت می کند، او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند، در صورتی که «تورات»، کتاب مقدس یهود، او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است.

۱ - شمارا نیز به وجود حضرت مهدی (علیه السلام) قائلند و می گویند: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد

گرفت، ولی در اوصافش اختلاف دارند. [۷]

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت - گرچه همه آنها با حضرت مهدی (علیه السلام) کاملاً تطبیق نمی کند و حتی برخی از آنها

اصلاً با مهدی موعود اسلام وفق نمی دهد. - از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن این که:

این افکار و عقاید و آرا که همه آنها با مضمون های مختلف، از آینده ای در فشان و آمدن مصلح جهانی در آخر الزمان

خبر می دهند، نشانگر این واقعیت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض و می سرپوشه گرفته است، و لکن در برخی

از مناطق دور دست که شعاع حقیقت در آنها کمتر تأیید است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده، و فقط کلیاتی

از نویدهای مهدی موعود و «مصلح جهانی» در میان ملتها به جای مانده است.

البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیت موضوع می افزاید، و مسأله «مهدویت» و ظهور مصلح

جهانی را قطعی تر می کند.

بنابراین، عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه «مهدی» و

واژه های دیگر را - که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند - از قالب اصطلاح

اقتضای آنها در آوریم، و آن حضرت را «نبات بفش بزرگ آسمانی» یا «مصلح جهانی» و یا «رهایی بفش غیبی» بنامیم،

اختلاف اسمی هم رفع می شود.

اسامی مقدس حضرت مهدی (علیه السلام) در کتب مذهبی اهل ادیان

اینک قسمتی از اسامی مبارک آن حضرت را که با الفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهبی اهل ادیان و ملل مختلف جهان

آمده است، از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم.

۱ - «صاحب» در صف ابراهیم (علیه السلام)؛

۲ - «قائم» در زبور سیزدهم؛

۳ - «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم؛

۴ - «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی؛

ابصالح (عج)

۵ - «معمیر آخر» در ابیل؛

۶ - «سروش ایزد» در زمزم زرتشت؛

۷ - «بهرام» در ابستاق زند و پازند؛

۸ - «بنده یزدان» هم در زند و پازند؛

۹ - «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛

۱۰ - «شماخیل» در ارماتس؛

۱۱ - «فوراند» در جاویدان؛

۱۲ - «فبسته» (احمد) در کندرال فرنگیان؛

۱۳ - «فسرو» در کتاب میوس؛

۱۴ - «میزان الفق» در کتاب اثری پیغمبر؛

۱۵ - «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان؛

۱۶ - «فردوس آبر» در کتاب قبروس رومیان؛

۱۷ - «کلمة الفق» در صیفه آسمانی؛

۱۸ - «لسان صدق» هم در صیفه آسمانی؛

۱۹ - «صمصام الابر» در کتاب کندرال؛

۲۰ - «بقیة الله» در کتاب دوهرد؛

۲۱ - «قاطع» در کتاب قنطره؛

۲۲ - «منصور» در کتاب دید براهمه؛

۲۳ - «ایستاده» (قائم) در کتاب شکمونی؛

۲۴ - «ویشنو» در کتاب ریک ودا؛

۲۵ - «غرضه» (ممنر) در کتاب وشن بوک،

۲۶ - «راهنما» (هادی و مهردی) در کتاب پاتیکل؛

۲۷ - «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملفقات آن)؛

۲۸ - «سوشیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردتشیان؛

۲۹ - در کتاب «شاهوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شعر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و

عدالت را در جهان آشکار سازد؛

۳۰ - «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر، [۸]

علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهردی (علیه السلام) در کتب مقدسه اهل ایران ذکر شده است که ما به

جهت افتضار از نقل آنها خودداری نمودیم، [۹]

اسامی مقدسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیه الله» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاص

وجود مقدس حضرت عقیق بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که در بیشتر روایات اسلامی، به

آنها تصریح شده و ائمه معصومین (علیهم السلام) در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیه الله» یاد

کرده اند. و این خود بیانگر این واقعیت است که موعود همه اُمّتها و ملّتها همان وجود مقدس منتظر غایب، حضرت عقیق

بن الحسن العسکری (علیه السلام) است.

ابصالح (عج) ادیان و نوید ظهور موعود

پنان که در بشوای گذشته آمد، مسأله ظهور حضرت موعدی (علیه السلام) در آخر الزمان و پایان دادن به ظلم و ستمها از مسایل اساسی ادیان و اسلام است، و تمامی ادیان و مذاهب کوناگونی که در روی کره زمین حکومت می کنند، وقوع قتمی و قطعی آن را خبر داده اند.

بر اساس تعالیم انبیا و نویدهای کتب آسمانی، علیرغم عوامل بدبینی بیشماری که نسبت به آینده بشر در جهان دیده می شود، اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست، و دیر یا زود گردونه زمان به نفع مبرومان فواهد پرفید، و پوره جهان دگرگون فواهد شد، و مفاسد اجتماعی و کشمکشهای کنونی جای خود را به آرامش و امنیت فواهد داد. مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب آسمانی، چشم انداز آینده جهان و سرنوشت بشر روشن است.

نگاهی کوتاه به کتابهای مذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیدادگری همه جهان را فراگیرد، و جنگهای فانمان سوز و ویرانگر مردمان جهان را به ستوه آورد و زمامداران جهان از اداره امور کشورها عاجز و ناتوان گردند و برای فاموش کردن آتش فتنه ها و جنگها راه چاره ای نیابند، در چنین موقعیت مساس و بمرانی یک مصلح بزرگ جهانی، با اتکا به قدرت لایزال الهی قیام فواهد کرد، و به یک اصلاح عمومی در تمام جهان دست فواهد زد و زورگویان، زورمداران و قدرت طلبان افسار گسیخته عالم را سر جای خود فواهد نشانند و به همه بریفقیها و تیره روزی ها و گرفتاری های بشریت فاطمه فواهد داد.

فوشبقتانه هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سراسر مملو از امید، و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده های ظهور آن «مصلح جهانی» می بینیم، و شاید برای برفی کمی تعجب آور باشد که در تمام ادیان و مذاهب بزرگ جهان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و آیین مبین اسلام... از مصلی که در پایان جهان ظهور فواهد کرد و به بنایتها و فیانتهای انسانها فاطمه فواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی بنیان فواهد نهاد، گفتگو شده و برتر و بالاتر از همه، نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، به فصوص در اسلام و قرآن نیز، به صورتی جامع تر، کامل تر، عمیق تر و جدی تر، مطرح شده است.

و جای بسی مرسری است که اکثریت قریب به اتفاق نویدهایی که در رابطه با ظهور «مصلح بزرگ جهانی» در کتابهای آسمانی آمده است - اگر نگوییم همه آنها - تنها با وجود مقدّس مهدی موعود (علیه السلام)، آخرین بازمانده صفت الهی از امامان معصوم شیعه مطابقت دارد.

آری ای عزیز! نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) علاوه بر قرآن میسر در تمام کتب مذهبی اهل ادیان مانده: کتاب زهد، کتاب جاماسب، کتاب شاکمونی، کتاب بوک، کتاب دیدبراهمه، کتاب باسک، کتاب پاتیکل، کتاب «ادنگ»، کتاب ضفینای نبی، کتاب اشعیاء، کتاب ومی کودک، کتاب مکی نبی، کتاب مکاشفات یوسفی لاهوتی، کتاب «انیال نبی»، انبیل متی، انبیل لوقا، انبیل مرقس، و سایر کتابها و الواح ذکر شده، و در همه این کتابها نویدها و بشارتهای ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به عبارات و مضامینی که همه اصالت و حقیقت «موعودیت» را تأیید می کنند، و آن را یک عقیده عمومی مشترک بین همه اُمّتها و ملّتها می دانند، به روشنی بیان شده است.

اگر چه غیر از قرآن میسر، همه کتابهای دیگر آسمانی مورد «ستبر» و تعریف قرار گرفته است، ولی باز هم مطالبی در آنها دیده می شود که از «ستبر» دیگران مصون مانده، و در آنها عبارات و جملاتی از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می خورد. جالب توجه این که: در تمام کتابهای مقدّسی که در میان اهل ادیان، به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آن کتابها به عنوان پیامبر، شناخته می شوند، تصریحات زیادی به «مهدی موعود» شده است. هر چند که ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی دانیم، و یقین نداریم که آورندگان آنها پیامبر بوده اند، بلکه معتقدیم که آنها یا «پیامبر» بوده اند، یا این مطالب را از کتابها و تعلیم پیامبران گذشته اقتباس کرده اند، ولی شکفت آور است که در برخی از این کتابها، بعضی از القاب خاص و اسامی مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) و متنی سلسله «نسبی» آن حضرت و این که وی از سلاله پاک پیغمبر آخر الزمان، و از فرزندان دفتر آن پیغمبر، و آخرین بانشین آن حضرت است، نیز مشخص گردیده است.

اینک برای اثبات این مدّعا قسمتی از نویدها و بشارتهای ظهور مهدی موعود (علیه السلام) را که در کتب مذهبی اهل ادیان آمده است، از کتب مقدّسه هندیان، یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب

اسمائی شامه سره، نقل می کنیم، تا اصالت مسأله «مهرویت» و جوانی بودن اعتبار به ظهور مبارک حضرت موری (علیه

السلام) به فوی روشن شود.

مهدی موعود(علیه السلام) در کتب مقدسه هندیان

در کتابهای مذهبی مقدّسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدّس مهدی موعود(علیه السلام) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب اوپانیشاد

در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود(علیه السلام) چنین آمده است:

«این مظهر ویشنو (مظهر هم) در انقضای کَلّی یا عمر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درفشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شیران را تماماً هلاک می سازد، و فلقت را از نو تبرید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر هم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد».[۱۰]

با اندک تأملی در جملات بشارت فوق، ظاهر می شود که مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدّس عبّ بن الحسن العسکری(علیه السلام) است؛ زیرا طبق روایات متواتر اسلامی آن حضرت در آخر الزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی بیاران و ستمگران روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت.

«مهدی(علیه السلام) بر اسب دست و پا سفیدی سوار است»

این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین(علیهم السلام) بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و به هنگام حرکت آن حضرت از نیف به سوی مسپر سهله فرموده است:

«لَأَتِي بِهِ وَ قَدْ عَبَرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْبَرِ السُّؤْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُجَبَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَوُ وَ هُوَ يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دَعَائِهِ...».

«لویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی تپه از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سقوله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درفشنده ای دارد، و همه درفشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند...»

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «باسک»

در کتاب «باسک» که از کتب مقدسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) چنین آمده است. «در دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان، که پیشوای ملاتکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد فیر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید». [۱۲]

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «پاتیکل»

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعظم هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) چنین آمده است: «پون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر».

یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد، و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و فلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام».

و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای ممیط و جزایر سراندریب و قبر بابا آدم (علیه السلام) و از بیابان القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البصر و اقیانوس را مسفر گرداند، و بتخانه «سومنا»، را فراب کند. و «جکرات» [۱۳] بفرمان او به سفن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند». [۱۴]

از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعابیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم:

۱ - مفسود از «تاموس آفر ارمان»، تاموس اعظم الهی، پیامبر نام حضرت مفسر بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم)

است.

۲ - پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

۳ - صاحب ملک تازه، آفرین هیت فراوند حضرت ولی عصر (علیه السلام) است و راهنما، نام مبارک حضرت مهروی (علیه

السلام) است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدس وی نیز، هادی و مهروی و قائم به حق است.

۴ - کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (فرا) است.

۵ - این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت

مهروی (علیه السلام) جوانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند.

۶ - سومنات - بنا به نوشته علامه هفدا، در کتاب لغت نامه بتخانه ای بوده است در «کبرات». و گویند: سلطان مفسود غزنوی

آن را خراب کرد، و «منات» را که از بتوای مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که

مفسر شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است؛ نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را

گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه هفدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایید.

۷ - و اما «بکرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

(بشارت ظهور حضرت بقیة الله (علیه السلام) در کتاب «وشن جوک»

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، در باره بشارت ظهور حضرت «بقیة الله» - ارواها فراه -

و ریعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است:

«آفر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بزرگان خاص او باشد و نام او «فبسته» و «فرقنده» باشد. فلق را، که

در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گردانند و بسوزانند، و عالم را نو گردانند، و هر بدی

را سزا دهند، و یک «گرو» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند». [۱۵]

«و کلمه «فخر صده» و «فبسه» در عربی به «متمم و مضموم» ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی -

ارواضا فراه - می باشد، و شاید هم اشاره به «متمم» و «امم» باشد؛ زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت

مهدی - ارواضا فراه - دو نام دارد، یکی مفی و دیگری ظاهر است، نامی که مفی است «امم» و آن که ظاهر است

«متمم» می باشد.

ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) در کتاب «دید»

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر - ارواضا فراه - چنین آمده است:

«پس از فراپی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای فلاقی باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و

به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بنواهد بر آید». [۱۶]

در برخی از روایات اسلامی، ائمه معصومین (علیهم السلام) «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی - ارواضا فراه -

خوانده، و آیه شریفه:

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» [۱۷]

هر آنکه مظلوم کشته شود ما برای ولی او حق - قصاص - قرار دادیم. پس در کشتن اسراف نمی کند، همانا او یاری شده

است.

را به آن حضرت تفسیر نموده اند که آن یگانه باز مانده هیچ الهی، ولی خون مظلومان و منصور و مؤید من عند الله است.

و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

«القَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَطْوَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ». [۱۸]

«قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و

کنبهای زمین برای او ظاهر می شود، و دولت او به شرق و غرب عالم می رسد».

و) بشارت ظهور حضرت قائم (علیه السلام) در کتاب «دادتگ»

در کتاب «ادبک» که از کتب مقدسه برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت «قائم- ارواحنا فراه -» چنین آمده

است:

«بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی ماکمان و ریای زاهدان و بی دینانی امینان و حسد ساسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند، و رعیت بی انصاف گردند و در فرایی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتا» [۱۹] ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگرد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و فلاقی را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند». [۲۰]

آنچه در این بشارت و بشارت‌های قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فراه - آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است برخی تصور کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی کمی اغراق آمیز است، ولی باید توجه داشت که همه فرازهای این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتی در دو حدیث بسیار مفصل و طولانی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام صادق (علیه السلام) در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سفن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می نماییم، و علاقه مندان می توانند به منابعی که در پاورقی آورده ایم، مراجعه فرمایند. [۲۱]

ز) بشارت ظهور حضرت حبه الله (علیه السلام) در کتاب «ریک ودا»

در کتاب «ریک ودا» که یکی از کتب مقدسه هند است، بشارت ظهور حضرت حبه الله- ارواحنا فراه - چنین آمده است:

«ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نبات هنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درفشنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می

شوند و زمین فواهر لرزید». [۲۲]

در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برتری از نشانه های ظهور وی سخن رفته است که در وقت ظهور با

شمشیر آتشبار که بسان ستاره دنباله دار است، قیام می کند. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشیر) تعبیر دقیق و لطیفی است

که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) در احادیث اسلامی نیز آمده است.

ح) بشارت ظهور آخرین عبّت خدا (علیه السلام) در کتاب «شاکمونی»:

در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر

اهل فضا و قطن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین عبّت خدا حضرت ولی عصر - اروافنا فراه - چنین آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید فلاقی دو جهان کشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و

مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از

«سوران» که زیر فط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بهار و ماورای اقلیم هفتم و

گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و فداشناس

باشد». ([۲۳])

«کشن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به

نام «ایستاده» و «فدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم (علیه السلام)» و حضرت مهدی - اروافنا فراه - می خوانند.

و اما موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود

مسعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرراً در بشارتهای انبیل از آن سخن رفته است؛ بلکه در روایات متواتره اسلامی

نیز به صورت یک امر جدّی و فارق العاده مطرح گردیده است.

زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) در مواردی که از ظهور مبارک آن ولی مطلق

الهی سخن رانده اند، سیر و حرکت آن مصلح بزرگ جهانی را در ایام ظهور فارق العاده دانسته، و به پیروان خود مژده داده

اند که حضرت مهدی (علیه السلام) با قدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسمان سوار است، ظهور خواهد فرمود.

اینک برای اثبات این مدّعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگانه منبّی عالم، به چند نمونه از احادیث وارده اشاره می کنیم:

۱- علامه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده که آن حضرت فرموده: خداوند در شب معراج

قطب به من کرد و فرمود: ...

«... وَ لَطَّهَرَنَّا الْأَرْضَ بِأَفْرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي، وَ لَأَمَلَكُنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ لَأَسْفِرَنَّ لَكَ الرِّيَّاحُ، وَ لَأُزَلِّلَنَّ لَكَ السَّمَابَ الصِّعَابَ، وَ لَأَرْقِئَنَّ فِي الْأَسْبَابِ، وَ لَأَنْصُرَنَّ بِنُصْرِي، وَ لَأَمِدُّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي، وَيَمْعَمَ الْفَلْقَ عَلَى تَوْمِيدِي، ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ، وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» ([۲۴])

«... و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم؛ شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم؛ بارها را به تسفیر او در می آورم؛ ابرهای سفت و نا آرام را برای او آرام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مفلوقات را بر تومید من گرد آورد. آنکه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می سازم.»

۲- در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرموده:

«أَمَا إِنَّ زَا الْقَرْنَيْنِ قَرَأَ قَبْرَ السَّمَاوَيْنِ، فَافْتَارَ الزَّلُولَ وَ ذَفَرَ لِصَابِلِئِ الْمَعْبُتِ، فَقِيلَ لَهُ: وَ مَا الْمَعْبُتُ؟

فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ سَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ وَ بَرْقٌ، فَصَابِلِئُ يَرْكَبُهُ، أَمَا إِنَّهُ سَبَّرَ كَبُ السَّمَابِ، وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ.» ([۲۵])

«ذوالقرنین میان دو ابر مفید شده: یکی ابر آرام و دیگری ابر نا آرام، و او ابر آرام را برای خود برگزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت.»

گفته شده: ابر نا آرام چیست؟

فرموده: ابری که با رعد و برق و غرش باشد، که صاحب شما سوار بر آن فواید شد. آری! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را.»

بشارات ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «تورات»

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضمونهای آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی به صورت گسترده ای وارد شده و نشان می دهد که مسئله «مهدویت» اختصاص به اسلام ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می آوریم، و برشی از نکات آنها را توضیح می دهیم تا موضوع تشکیل حکومت و امر جهانی، و تبدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، برهمگان روشن شود.

گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و مملقات آن) همچون کتاب انبیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسی (علیه السلام) سخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مستقیم با ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) دارد، در ضمن بشارات ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، فرزهایی از «تورات»، را آورده ایم تا دانسته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان آمده است همچون مسلمانان به «رجعت» و بازگشت حضرت مسیح (علیه السلام) معتقدند. و در این باره تردید ندارند که بلاخره روزی فرا می رسد که حضرت عیسی روح الله (علیه السلام) به زمین باز می گردد و برشی از آنها را تنبیه و از برشی دیگر انتقام می گیرد، هر چند که بسیاری از آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضرت مهدی (علیه السلام) و عیسی مسیح (علیه السلام) می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و فاشع می گردند.

اینک به قسمی از بشارتی که در «تورات» و منقحات آن آمده است، توجه فرمایید:

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در «زبور داوود»

در «زبور حضرت داوود (علیه السلام) که تمت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی در باره ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به بیانهای گوناگون داده شده است و می توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی سالکان بر شیران و تشکیل حکومت واعد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین مکمل و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

و جالب توجه این که، مطالبی که قرآن کریم در باره ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دست برد تعریف و تفسیر مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می فرماید:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ). [۲۶]

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که [در آینده] بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.»

مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی (علیه السلام) است که زبور داوود (علیه السلام) پیرو شریعت تورات بوده است.

این آیه مبارکه از آینده درفشانی بشارت می دهد که شرّ و فساد به کلی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشرار و ستمکاران نابود گشته اند، و وراثت زمین به افراد پاک و شایسته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می شود که شفص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.

به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی - از طریق شیعه و سنی - این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داوود (علیه السلام) نقل می کند، و عین همین عبارت در

زبور موجود است. و اینک متن زبور:

«(۹) زیرا که شیران منقطع می شوند. اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال آنکه است که شیر نیست می شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۲) شیر بخلای صادق افکار مزمومه می نماید، و دندانهای فویش را بر او می فشارد (۱۳) خداوند به او متبسم است چون که می بیند که روز او می آید (۱۴) شیران شمشیر را کشیدند و کمان را پله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بپندازند، و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد (۱۶) کمی صدیقی از فراوانی شیران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شیران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است (۱۸).

خداوند روزهای سالان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» فیل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شیران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرگان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صدیقان وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شیران این را خواهی دید (۳۸) اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شیران منقطع خواهند شد.» (۲۷)

در فصل دیگر می فرماید:

«... قومها را به انصاف داری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صبرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود.» (۲۸)

و از جمله در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام و فرزند دادگسترش حضرت مهدی (علیه السلام)، چنین می فرماید:

«(۱) ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک»، و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما (۲) تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف مکن نماید (۳) به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند (۴) فقیران قوم را مکن نماید، و پسران مسکینان را نبات دهد، و ظالم را بشکند (۵) تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند (۶) برگیا بپایه شده مثل باران و مانند امطار - که زمین را سیراب می گرداند - خواهد بارید (۷).

و در روزهایش صدیقان شکوفه فواید نمود، و زیادهای سلامتی تا باقی ماندن ماه فواید بود (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت فواید نمود (۹) صمرا نشینان در حضورش فم فواید شد و دشمنانش خاک را فواید بوسید (۱۰). ملوک طریش و جزیره ها، هریه ها فواید آورد، و پادشاهان سبا و پیشکشها تقریب فواید نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش فواید نمود، و تمامی اُمم او را بندگی فواید کرد (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فواید می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، فواید داد (۱۳) و به ذلیل و محتاج ترقم فواید فرمود و بانهای مسکینان را نبات فواید داد (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نبات فواید داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی فواید بود (۱۵) و زنده مانده از سبا به او بفشیده فواید شد (۱۶) در زمین به سر کوهها مشت غله کاشته می شود که محصول آن مثل اسنان مفرگ شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه فواید نمود (۱۷).

اسم او ابراً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت فواید یافت، و تمامی قبایل او را فبسته فواید گفت (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او ابراً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود (۲۰) دعای داود پسر یسی تمام شد.

[۲۹]

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «اشعیای نبی»

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نفست فرازی از آن بشارت ها را نقل نموده، و بر فی از نکات آن را توضیح می دهیم تا معلوم شود که مسلمانان در باره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این

عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند.

در فرازی از بشارت کتاب اشعیای چنین آمده است:

«و نهالی از تنه یسی» [۳۰] بیرون آمده، شاقه ای از ریشه هایش فواید شکفت و روح فراوند بر او قرار فواید گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس فراوند و فوشی او در ترس فراوند فواید بود و موافق رؤیت پشم خود، داوری فواید نمود و بر وفق سمع گوشهای فوایش، تنیه فواید نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت

داوری فوادر کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی ملام فوادر نمود... کمربند کمربند عدالت فوادر بود و کمربند میانش امانت.

و کنگ با بره سکونت فوادر داشت و پلنگ با بزغاله فوادر فواید و کوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را فوادر راند و گاو با فرس فوادر پرید و بپه های آنها با هم فوادر فواید و شیر مثل گاو گاه فوادر خورد، و طفل شیر فواره بر سواخ مار بازی فوادر کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست فود را بر فانه افعی فوادر گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نفوادر کرد؛ زیرا که چنان از معرفت خداوند پر فوادر بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند. ([۳۱])

منظور از «نهایی که از تنه یسی فوادر روید» ممکن است یکی از چهار نفر از شفصیت های بزرگ رومانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت فیت بن الفسن العسکری (علیهم السلام) باشند؛ ولی دقت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه آن بشارتها ویژه قائم آل ممد (علیهم السلام) است؛ زیرا حضرت داود و سلیمان (علیهم السلام) فرزندان پسر یسی، و حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) نوازه دقتری وی، و قائم آل ممد (علیه السلام) نیز از جانب مادرش جناب نرجس فاتون - که دقتر یشوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می رسد - نوازه دقتری «یسی» می باشد.

در فرزای از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم فود داوری فوادر کرد و بر وفق سمع گوشهای فود تنیه فوادر نمود» و این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بینه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که: «یکم بکم داود وممد (صلی الله علیه وآله وسلم) یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حکم می کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید. ([۳۲])

و در فرز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت فقه و دوران حکومت عدالت پیشه او «کنگ با بره سکونت فوادر داشت و پلنگ با بزغاله فوادر فواید... و کوساله و شیر پرواری با هم، و ... ضرر و فسادی نفوادر کرد»، این جمله نشان می دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد آن چنان گسترش می یابد که جانوران و درندگان با

هم سازش می کند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند و فوی بقیعیت و در نزدیکی را از دست می دهند، و زیان و ضرر به هیچ

یک از موجودات نمی رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است:

«وَ تَصْطَلِحُ فِي مَلِكِهِ السَّبَّاحُ، وَ اضْطَلَّتِ السَّبَّاحُ، وَ تَأْمَنُ الْبُحَائِمُ». ([۳۳])

در حکومت او درندگان فوی تومش رها کرده و با یکدیگر سازش می کنند و حیوانات اهلی اساس امنیت می نمایند.

و در آفرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر فواید بود مثل آبهایی که دریا را می پوشانند».

این مطلب نشانگر این واقعیت است که «عهد با سعادت آن موعود آسمانی چنان تنوع عظیم علمی و فرهنگی به وجود

می آید که همه مردمان به فدای یکانه ایمان می آورند. درهای رشته های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده

می شود، سطح معلومات بشری بالا می رود، راهی را که بشریت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در

زمان کوتاه می پیماید، عقلها کامل و انریشه ها شکوفا می گردند، و کوه بینی ها و تنگ نظری ها از بین می رود، و انسانها به

کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و به تمام ناکامیها، شکستها، ستمها، نادانیها و بدبختی ها پایان می دهند، و

زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند.

در بشارت دیگری نیز در کتاب «اشعیا» در مورد ظهور قائم آل محمد (علیه السلام) چنین آمده است:

«و در ایام آخر واقع فواید شد . . . جمیع اُمّتها به سوی آن روان خواهند شد . . . او اُمّتها را دآوری خواهد نمود، و قومهای

بسیاری را تنبیه خواهد کرد . . . اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نفاهد کشید و بار دیگر جنگ را نفاهند آموخت». ([۳۴])

آنچه از این بشارت فهمیده می شود این است که پس از قیام شکوهمند موعود (علیه السلام) جمیع اُمّتها به سوی او

روی خواهند آورد، و او همه مردم جهان را از هر رنگ و نژادی که باشند و هر دین و مذهبی که داشته باشند در زیر یک

پرچم که دین اسلام و تومید باشد گرد فواید آورد، و گروه بسیاری را تنبیه فواید نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان

مردم به قضاوت دآوری دآوری فواید نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل فواید کرد، که سراسر کیتی را فرا

فواید گرفت دیگر اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نفاهد کشید، و بار دیگر جنگ و فونریزی و ناامنی بر جهان حکمفرما فواید بود، و

همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیت و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی فواید نمود.

در فراری از بشارت های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امتیث عمومی به وجود خواهد آمد به گونه ای که مردم در صلح و صفا و صمیمیت زندگی کنند و بخوایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاسایند:

«آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت، سلامتی و تنبیه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الآباید. و قوم من در مسکن سلامتی و در مسکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد.» [۳۵]

در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیا نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برپیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به افلاق عمیره اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:

«برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد، زحمت بیبا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایلند زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بفوانند من جواب فواهم دارم، و پیش از آن که سفن گویند من فواهم شنیدم. گرگ و بره با هم خواهند هرید، و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و فوراک مار فاک خواهد بود، خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدس من، ضرر نخواهد رسانید و فساد نخواهند کرد.» [۳۶]

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب بوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و مآکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است:

«آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده به وادی «یهوشافظ» [۳۷] فرود فواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل [را] مآکمه فواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده

اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فامشه داده و دخترى به شراب فروخته اند تا بنوشند.» [۳۸]

و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است:

«ای همه اُمّتها! بشابید و بیابید و از هر طرف جمع شوید ای فدراوند شباغان! خود را به آنجا فرود آور. اُمّتها بر انگیزه شوند.

به «وادی یهوشافاظ» بر آیند؛ زیرا که من در آنجا فواعم نشست تا بر همه اُمّتهایی که به اطراف آن هستند دآوری نمایم».

[۳۹]

و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می گوید:

«بنابر این، ای اسرائیل! به این طور با تو عمل فواعم نمود، و چون که به این طور با تو عمل فواعم نمود پس ای

اسرائیل! فویشن را مویتا ساز تا با فدرای خود ملاقات نمایی».[۴۰]

این فراهها - همپنان که ملامظه می شود - از نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و دآوری آن حضرت در «یوم الله ظهور» فیر

می دهند.

و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) فطاب به قوم یهود آمده است:

«و من برای افرایم» [۴۱] مثل شیر و برای فاندان یهودا [۴۲] مانند شیر ژیان فواعم بود. من فودم فواعم درید و

رفته فواعم بود و هائنده فواهر بود.

من روانه شده به مکان خود فواعم برگشت تا ایشان به عمیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا

فواهند طلبید».[۴۳]

د) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «زکریای نبی»

در کتاب زکریای نبی - که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی

عالم چنین آمده است:

«اینک روز فدراوند می آید و غنیمت تو در میانست تقسیم فواهر شد. و جمیع اُمّتها را به ضدّ اورشلیم برای جنگ جمع فواعم

کرد، و شهر را فواهند گرفت و فانه ها را تاراج فواهند نمود، و زنان را بی عصمت فواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری

فواهند رفت، و بقیّه قوم از شهر منقطع فواهند شد.

و فراوند بیرون آمده با آن قومها مقاله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاله نمود، و در آخر آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد . . . و آن یک روز معروف فراوند خواهد بود . . . و یثوه (فرا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یثوه و امر خواهد بود و اسم او امر. [۴۴]

در اینجا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) کلمه «فراوند» بیشتر در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) به کار می رود، که در اینجا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.

البته باید توجه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضمون این پیشگوییها یکبار در دوران گذشته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده های صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان فدای یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای «نواز و عدت به گوش خواهد رسید.

به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است؛ زیرا از احادیث چنین استفاده می شود که ملت یهود به علت طغیان و سرکشی و فساد که در زمین ایجاد می کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه ای که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.

اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلت باری که طبق وعده الهی در انتظار قوم یهود و غده سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برقی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می کنیم:

سرنوشت یهودیان مغرور

ابن کثیر «مشقی در کتاب «البدایة و النهایة» در باره «گیری مسلمانان با یهود و این که این «گیری هر روز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود:

«لا تقوم الساعة حتى يعاتب المسلمون اليهود، فيقولون للمسلمون متى يفيق اليهودي من وراء البحر والشجر فيقول البحر -

أو الشجر - : يا مسلم! يا عبدالله! هذا اليهودي من فلفى، فتعال فاقتله، إلا الغرقى، فإنه شبر اليهود» ([٤٥])

«قیامت بر پا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه بریزند و آنها را بکشند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت - به قدرت فدای تعالی به زبان آمده - بگوید: ای مسلمان! ای بنده خدا! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان. مگر درخت «غرقه» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می کند».

اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی

علامه مجلسی - اعلی الله مقامه - در کتاب نفیس «بهار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سرزمینهای اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

«عن عباية الأسرى قال: سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) و هو متكى و أنا قائم عليه؛ لأبئین بمصر منبراً منيراً، و لأتقضن دمشق منبراً مهراً، و لأفرین اليهود و النصاری من كل كور العرب، و لأسوقن العرب بعضای هذه.

قال: قلت له: يا أمير المؤمنين! كأنك تغبر أنك تمين بعد ما تموت!

فقال: هبوات يا عباية! ذهبتي في غير مذهب، يفعله رجل مني» ([٤٦])

«عبایه اسدی گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم. در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینده در مصر منبری روشنی بفش بنیان خواهم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود و نصاری را

از سرزمینهای عرب بیرون فوادم راند، و عرب را با این عصای خود - به طرف حق - سوق فوادم دار.

عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! گویی شما فبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید!

فرمود: هبوات ای عبایه! مقصود من از این سفنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از دوستان من اینها را انجام فوادم دار».

از جمله آثار این حدیث که حضرت فرموده است: «این کارها را مردی از روزمان من انجام خواهد داد»، اسفاره می شود که مقصود از او شفص امام قائم و همت منتظر (علیه السلام) است.

صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل

نویسنده کتاب «عقائد الامامیه» در مورد قیام یهود در فاور میانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بلافره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می شود، در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) چنین نقل کرده است:

«قال أمير المؤمنين (عليه السلام): وستأتي اليهود من الغرب لإنشاء دولتهم بفلسطين.

قال الناس: يا أبا المسن! أتى تكون العرب؟

أجاب (عليه السلام): أنذاك تكون مغللة القوى، مغللة العرى، غير متكاتفه وغير مترادفه.

ثم سئل (عليه السلام): أيطول هذا البلاء؟

قال: لا، حتى إذا أطلقت العرب أعتتها ورجعت إليها عوازم أهلها، عندئذ يفتح على يدهم فلسطين، و تفرج العرب ظافرة و موقدة، وستأتي النيرة من العراق، كتب على راياتها القوة، و تشترك العرب و الإسلام كافة لتفلس فلسطين، معركة و أي معركة في جل البدر، تفوض الناس في الدماء و يمشی البريح على القليل.

ثم قال (عليه السلام): و ستفعل العرب ثلاثاً، وفي الرابعة يعلم الله ما في نفوسهم من الثبات و الإيمان، خير خرف على رؤوسهم النصر.

ثم قال: و أيم الله يذبون (بح النجاج حتى لا يبقى يهودي في فلسطين). [٤٧]

«امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب - به منطقه عربی فاور میانه - فوهند آمد.

عرضه داشتند: یا ابالمسن! پس عربها در آن موقع کجا فوهند بود؟

فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاسیره و ارتباط آنها از هم کسیشه، و مندر و هماهنگ نیسند.

از آن حضرت سؤال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی فواید بود؟

فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای برای آنان دوباره تیرید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز و مندر خواهند گردید، و نیروهای کمکی از - طریق - سرزمین عراق به آنان فواید رسید که بر روی پرچمهایشان نوشته شده: «الْقُوَّة» [۴۸] و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد - و با یهودیان خواهند جنگید - و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی فواید داد که در اثر آن مردمان در فون شناور شده و افراد مبروح بر روی اجساد کشته ها عبور کنند. آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می جنگند، و در مرحله چهارم که فراوند نجات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می افکند.

بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند کوسفند کشته می شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نماند.

ه) بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «مزقیال نبی»

در این کتاب در مورد ظهور حضرت مبعث بن الحسن العسکری (علیهما السلام) و سرنوشت رژیم اسرائیل و جوانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و ورود الهی در آن عصر در فشان، چنین آمده است:

«... و اما تو ای پسر انسان! فراوند یقوه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صمرا بگو: جمع شوید و بیاید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بفرود و فون بنوشید.»

و فراوند یقوه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و بباران و همه مردان جنگی سیر فواید شد. و من جلال خود را در میان امتها قرار فواید داد و جمیع امتها داوری مرا که آن را اجرا فواید داشت و دست مرا که برایشان فرود فواید آورد، مشاهده فواید نمود. و فاندان اسرائیل از آن روز و بعد، فواید دانست که یقوه خدای ایشان، من هستم. و امتها فواید دانست که فاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند؛ زیرا که به من فیانت ورزیدند.» [۴۹]

باید بویّه داشت که منظور از «پسر انسان» مانند کلمه «مسیح»، حضرت عیسی (علیه السلام) بیست و بلکه مراد از آن، حضرت مهردی (علیه السلام) است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمه «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح (علیه السلام) اراده شده است. [۵۰]

و) بشارت ظهور حضرت مهردی (علیه السلام) در کتاب مَبّی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت «بقیة الله» (علیه السلام) بدین گونه آمده است:

«یَوَّه صباوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر - و آن نیز بعد از آنکه زمانی - آسمانها و زمین و دریا و فشکی را متزلزل فواعم سافت، و تمامی اُمّتها را متزلزل فواعم سافت، و فضیلت جمیع اُمّتها فواعم آمد... این فانه را از جلال خود پر فواعم سافت... جلال آخر این فانه از جلال نفسینش عظیمتر فواعم بود، و در این مکان سلامتی را فواعم بفشید». [۵۱]

ز) بشارت ظهور حضرت مهردی (علیه السلام) در کتاب «صفینای نبی»

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) چنین آمده است: «... خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر پادشاه حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، اما مرد ظالم میا را نمی داند. اُمّتها را منقطع سافته ام که بر بویهای ایشان خراب شده است و کوفه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاشکه از من می ترسیدی و تأدیب را می پذیرفتی...»

بنابر این، خداوند می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت بر فیزم؛ زیرا که قصد من این است که اُمّتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی قدرت فشم فویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته فواعم شد؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاک به اُمّتها باز فواعم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه - خدا -

را بفوانند و به یک دل او را عبادت نمایند». [۵۲]

ح) بشارت ظهور حضرت مهردی (علیه السلام) در کتاب «دانیال نبی»

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است:

«... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، فواید برافاست. و پنهان زمان تنگی فواید شد که از مینی که اُمّتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود، دستگیر فواید شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین فواید اند بیدار فواید شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت فبالت و عقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک فواید درفشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان فواید بود تا ابد الابد.»

اما تو ای دانیال! کلام رامفنی دار و کتاب راتا زمان آفر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد فواید نمود و علم افزوده فواید گردید ... فوشا به حال آن که انتظار کشید». [۵۳]

در این بشارت نکات پندی وجود دارد که بر فی از آنها را به طور اقتصار توضیح می دهیم:

۱ - شفص مورد بشارت که در نفستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل ممد (علیوم السلام) است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت فقه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره فاکلی حکم فرما می نماید.

۲ - منظور از «زمان تنگی»، زمان بیدارگریها، سفتیها، فخشارها، ظلم و ستم هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می شود، پنهان که در روایات اسلامی آمده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ حُورًا وَ ظِلْمًا».

۳ - منظور از: «آنانی که در خاک زمین فواید اند»، گروهی از اموات می باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی (علیه السلام) زنده می شوند، و بر فی از آنان از یاران آن حضرت می گردند و در رکاب حضرتش می جنگند و بر فی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می رسند.

در این زمینه، روایات بسیاری از ائمه معصومین (علیوم السلام) رسیده است که ما به جهت اقتصار از ذکر آنها فورداری می نمایم، و طالبین می توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «بعثت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در کتاب «انجیل»

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انبیل آمده است، حضرت مسیح (علیه السلام) به دنبال قیام حضرت قائم (علیه السلام) در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت فواید شتافت، و پشت سر حضرتش نماز فواید گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگردند و مامی حضرت مهدی (علیه السلام) گردند. از این رو، در آفرین روزهای زندگی - و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای آکیدی در باره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گزارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم.

اینک متن برقی از آن بشارات که در انبیل آمده است:

الف) انبیل متی

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گزارده خواهد شد که به زیر آغخته نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در فلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟»

عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را همراه نگیرد. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را همراه خواهند کرد. و جنگها و افبار جنگها را فواید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت فواید نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایجا پدید آید...

آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کزبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان فواید نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز همراه گردندی. اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق

ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین فواید شد...

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوتهای افلاک

متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان

را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید...

پس از درفت انبیر مثلش را فرا گیرد که چون شافه اش نازک شده برگها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است.

همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می گویم...

آسمان و زمین زایل فواید شد؛ لیکن سفنان من هرگز زایل نفاهد شد.

اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان نیز پر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر

انسان نیز چنان فواید بود...

پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست

در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش تفت زند.

لذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقايش او

را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین فوراً دهد. فوشا به مال آن غلامی که چون آقايش آید او را در

چنین کار مشغول یابد، ([۵۴])

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقرب فویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود فواید نشست. و جمیع امتهای در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میشن ها را از بزها جدا می کند و میشن ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیاید ای برکت یافتگان از پدر من ! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید.» ([۵۵])

«عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داور می شوید. و هر که به خاطر اسم من فانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرده، صد پندان فواید یافت و وارث حیات جاودانی فواید گشت.» ([۵۶])

ب) انبیل مرتقس

«و چون او - عیسی - از هیکل بیرون می رفت یکی از شاگردانش برو گفت: ای استاد! ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است!»

عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می ندیدی. بدان که سنگی بر سنگی گذارده فواید شد مگر آن که به زیر افکنده شود.

و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنکه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زهار کسی شما را همراه نکند، زیرا که بسیاری به نام من آمده فوهند گفت که: من هستم، و بسیاری را همراه فوهند نمود. اما چون جنگها و افبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی فوهند بر فاست، و زلزله ها در بایها حادث فوهند شد و قطعی ها و اغتشاشها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید...

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر مزر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.

مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ فرس یا صبح. مباردا ناکهان آمده شما را هفته یابد. اما آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید!». ([۵۷])

(ج) انبیل لوقا

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته برارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بگوید بی درنگ برای او باز کنند. فوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید». ([۵۸])

«و در آفتاب و ماه و سارکان علامات فواهد بود و بر زمین، سگی و حیرت از برای اُمّتها روی فواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دلهای مردم ضعف فواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوّت آسمان متزلزل فواهد شد. و آنگاه پسر انسان را فواهد دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید.»

([۵۹])

همان گونه که قبلاً توضیح (دریم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح (علیه السلام) نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملفقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق است. و اما ۵۰ مورد دیگر از نبات دهنده ای سفن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور فواهد کرد و حضرت عیسی (علیه السلام) نیز با او فواهد آمد، و او را جلال و عظمت فواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی اطلاع ندارد، و او کسی جز حضرت مهدی (علیه السلام) آخرین عبّت خدا نخواهد بود.

(ه) انجیل یوقنا

«و بدو قدرت بفضیده است که داوری هم بکنند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را فواهد شنید و بیرون فواهد آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت میات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.» ([۶۰])

مکاشفه یوقنا

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبتن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می آورد.»

و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اثرهای بزرگ آتش کون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریفت و اثرها پیش آن زن - که می زایید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زایید که همه اُمّتوای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تفت او رپوده شد . . .

و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اثرها جنگ کردند و اثرها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اثرهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمّی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.» ([۶۱])

مفسّرین انبیل در مورد آیات فوق می گویند: شفص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود ننهاد و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موقوف به زمان آینده و نامعینی است که وی ظاهر کرد.»

ولی با اندکی دقت و تأمل در آیات فوق این نتیجه به دست می آید که شفص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت، و شفص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایثار حکومت حقّ الهیه و بر افکندن بنیاد اهریمنان، به ناپار مدّتی از انظار مردمان غایب خواهد کرد، و فراوان عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منبئ انسانیت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنّی و انسی مضمی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی - آنگاه که فواست خداوند است - از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریت حکومت کند.

در قسمت دیگری از مکاشفه یوسفی لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) چنین آمده است:

«و دیدم آسمان را کشوده و ناکه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داور و جنگ می نماید و پشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خوردن هیچ کس آن را نمی داند و بامه فون آلود - سرخ - در بر دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. و لشکریایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن اُمّتها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی فواید نمود... و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت بیاران...» ([۶۲])

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرزادهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

(و رساله پولس به رومیان

«زیرا یقین می دانم که در دهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر فواید شد، هیچ است.» ([۶۳])

«... و آن که برای حکمرانی اُمّتها مبعوث شود، امیر اُمّتها بر وی فواید بود.» ([۶۴])

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجّه این که: همان گونه که در بشارت تورات تذکر داریم در ترجمه عربی انبیل با تعبیر «قائم» آمده است، و تعبیر «حکمرانی اُمّتها» و «امیر اُمّتها» جالب توجّه است.

«زیرا این را به شما از کلام خدا می گویم که ماکه زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر فوایدگان سبقت نخواهیم بست و
زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند بر
فاست. آنگاه ماکه زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه
با خداوند خواهیم بود» ([۶۵])

به طوری که فوایدگان عزیز ملاحظه می کنند این خراز از عهد میرید با روایات اسلامی و بیهو مشترک فراوانی دارد که از آن
جمله است:

۱ - نزول حضرت عیسی (علیه السلام)

۲ - صیبه آسمانی.

۳ - زنده شدن گروهی از افراد صالح.

۴ - آمدن او بر خراز ابر.

۵ - روبرو شدن یاران حضرت ولی عصر (علیه السلام) از ممرابها و رشتنابهای خود، و انتقال یافتن آنها بر خراز ابرها، همه
این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انبیل دقیقاً منطبق است.

خراز دیگر از انابیل را «عبدالله بن سلیمان» نقل کرده است که بسیار جالب است. او می گوید:

من در انابیل خواندم که خداوند به عیسی (علیه السلام) فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می فرستم تا از اُمت این پیامبر شگفتیها بینی، و آنها را در کشتن دجال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بفوانی که آنها اُمت مرمومه هستند». [۶۶]

بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در منابع «زرتشتیان»

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱ - در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است در باره انقراض اشرار و وراثت «صلا» که پس از درهم شکستن شوکت بباران و پیداکرآن، زمام امور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید:

«لشکر اهریمنان با اینزدان دایم در روی فاکدان مباره و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند اینزدان را مو و منقرض سازند؛ چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که فدای آسمان است به اینزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و مباره ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه فیروزی بزرگ از طرف اینزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی اینزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیوان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تفت نیلقتی خواهند نشست». [۶۷]

۲ - در بخش «گاتوا» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نوبدهائی در مورد ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های انبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین

آمده است:

«و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا»! کشورت را «بومن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپردند، و فواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

۳ - باز در همان بخش «کاتوا» تمت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منبئ بشریت که در پایان جهان فواید آمده، چنین آمده است:

«کی ای «مزدا»! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزشهای خزایش بخش پرورد رهاندگان، کیانند آنانی که «بومن» به یاریشان فواید آمده، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا».

نویسنده کتاب «بشارت عوین» پس از آن که این «و بشارت را از «کاتوا» نقل کرده است چنین می نویسد:

«مترجم «کاتوا»، در پاورقی، «بومن» را - که در این «و بشارت پرچمدار نوحصت آخرین معرفی شده - نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادر اهور مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این «و فراز از «کاتهای زرتشت» از این قرار است:

در پایان جهان پیش از ستافیز عمومی آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی - به سزای این جهانی خود فواید رسیده - این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند.

مقتاً آن زمان در فغان بامداد روز است که صبح دولت فقه الهیه دمیرن گیرد و دین راسین - آیین ابری آخرین - سراسر جهان را فرا گیرد. آیینی که تمامی آموزشهای پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، تمامی آموزشهای صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.

چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام حضرت قائم آل محمد (علیهم السلام) است، گرچه نامی از آن حضرت به میان نیآورده ولی سلطنت عمومی و عدالت کلی جهانی که پیشگویی کرده بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است. ([۶۸])

۳ - جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و اموات پادشاهان، انبیا، اوصیا و اولیا را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می نماید، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی (علیه السلام) و رجعت گروهی از اموات ... چنین می گوید:

«پیغمبر عرب، آفر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران فوهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو بیند. و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را، و دولت او تازیک - یعنی پادشاهی - عجم را بر باد دهد، و دین مجوس و پهلوی را بر طرف کند، و نار سیر و آتش کوره ها را فراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان.»

آنگاه در باره ظهور مبارک حضرت مهدی (علیه السلام) چنین می گوید:

«و از فرزندان دفتر آن پیغمبر که فورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آفر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد، و دولت او تا به قیامت متصل باشد، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود، و

آسمان چفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها بر طرف شود، و اهریمن کلان را که ضد یزدان و برده عاصی او باشد

بگیرد و در عیس کند و او را بکشد.

و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و فلاقی را به یزدان بفواند، و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان، و نیکان را جزا دهد، و بدان را سزا دهد و بسیاری از فویان و پیغمبران زنده شوند، و از بدان کیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند، و از پادشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه ها در دین کرده باشند و فویان بندگان یزدان را کشته باشند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد...

و ظهور او در آخر دنیا باشد... و فروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شهرهای عمان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او فروج کند و ینگ کند و دجال را... بکشد.

و پرورد و قسطنطنیه را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانی در آنها برپا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی علیه السلام) باشد) با او باشد، و انگشتر و یهیم سلیمان با او باشد، و جن و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او فوهند بود...

و همه جهان را یک دین کند، و دین کبری و زرتشتی نماید، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زاران و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بارها و مردان سفید رویان در خدمت او باشند...» ([۶۹])

«جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلف کتاب «عیب السیر»: وی شاکر لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است.

علامه هفدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسد:

«نامه ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن فرهنگ ملوک و اسرار عجم است، و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات افتران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

کوینده پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی (علیه السلام) سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح (علیه السلام) را پیغمبر فرانشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سفنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله أعلم بالصواب». ([۷۰])

مؤلف کتاب «بشارات عهدين» پس از آن که بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می کند زیر کلمه جاماسب در پاورقی چنین می نویسد:

«صاحبان سیر و تواریخ می نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط [حضرت] آدم (علیه السلام) بوده، وی مدتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدتی هم شاگرد (پنکر مگواجه) هندی بوده است.

وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال [آینده] را [پیش بینی] نموده و قبرش در فکر فارس است». ([۷۱])

۵ - بار در کتاب جاماسب، موافقی برقی از مشامین بسارات کرسنه در مورد دولت با سعادت حضرت مهدی (علیه السلام) و

صلح یوئام و برافکندن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واعد جهانی و اجتماع عموم بشریت بر دین مبین اسلام، و این

که حضرت مهدی (علیه السلام) پیرو اسلام و تابع دین جدش پیامبر اکرم می باشد، چنین می گوید:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جدّ فویش بود،

با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد.

و مردم بسیار شوند، و عمر دیگر باز، به درازی کشد و باز گردد چنان که مردی بود که او را پناه فرزند بود نر و ماده، و کوه و

دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسی شود.

و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت مومناصلی الله علیه و آله وسلم)) باز آیند، و جور و آشوب از جهان

برفیزد، چنان که فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو

اندریم». [۷۲]

۶ - در «زند و هومن یسن» از ظهور شفصیت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نبات دهنده بزرگ) خبر داده و در باره نشانه

های ظهور وی چنین می گوید:

«نشانه های شکفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منبسی جهان دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به

فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند». [۷۳]

آنگاه به مقاومت شیریان در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

۷ - هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و پگونگی اداره جهان می پرسد، پاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد:

«سوشیانس (نبات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات دارد، مردم جهان را همفکر و همگفتار و همگرددار گرداند». ([۷۴])

در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکستهای جنگی و فرار و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور چنین نبات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند.

شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیه پس از درگذشت رستم فرخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آفرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، بونگام فارغ شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مهبل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

«هان ای ایوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی برمی تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم».

سلیمان دلمی می گوید: من به مفضل امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود:

«او مهدی موعود(علیه السلام) و قائم آل مومنان(علیهم السلام) است که به فرمان فراروند در آخر زمان ظهور می کند. او

ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد.» [۷۵]

با توجه به این که «شاه زنان» معروف به «شهربانو»، مادر امام سجاد(علیه السلام) - بنابر مشهور - دختر یزدگرد آفرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر(علیه السلام) می باشد.

آنچه تا بدینجا گذشت نمونه هایی از نویدها و بشارتهای جاوید کتب مقدسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود(علیه السلام)) در آخر الزمان نوید داده، و به روشنی گواهی می دادند که مسأله ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) اختصاص به اسلام ندارد، بلکه از نظر همه اُمّتها و ملّتها یک امر قطعی و مسلم است که بدون تردید تحقق خواهد یافت.

آری! مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب مقدسه آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آفرین بانشین رسول کرامی بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر - عبّال الله تعالی فرجه - از پشت پرده غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی، همه پرده های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکیها برپیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت.

بدان امید که در سایه سار پریم ظفر بفش او نظاره گر تلالوزمین از پرتو انوار پروردگارش باشیم و دیده بیمال عدل مبسم روشن داریم و فدای را بر تمیق وعده هایش سپاس گوئیم - انشاء الله - .

[۱] - مقدمه کتاب «مهری موعود» ترجمه سیزدهم بار، ص ۱۷۷، و مهری انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور.

[۲] - او فواهد آمد، ص ۷۵.

[۳] - خاموس کتاب مقدس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او فواهد آمد»، ص ۳۲.

[۴] - او فواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از خاموس مقدس، ص ۲۱۹.

[۵] - دیبایه ای بر رهبری، ص ۹۵ - ۹۶.

[۶] - دیبایه ای بر رهبری، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

[۷] - او فواهد آمد، ص ۸۷ - ۸۸.

[۸] - اسامی مقدس حضرت مهری (علیه السلام) در کتابهای مربوطه به تفصیل آمده است، و ما اسامی مذکوره را از این کتابها نقل کرده ایم: النجم الثاقب، ص ۳۱ - ۷۰، کتاب یأتی علی الناس زمان، ص ۷۰۸ - ۷۱۱، اقوال الاثمه، ج ۱، ص ۳۲۹، او فواهد آمد، ص ۶۴ - ۷۰ و الزام الناصب ج ۱، ص ۴۸۱ - ۴۹۱.

[۹] - ناکفته نماند که نامها، کنیه ها و لقبهای حضرت مهری (علیه السلام)، در دو کتاب پر مقتوای «الزام الناصب»، تألیف مرموم هائری یزدی، و کتاب بسیار نفیس «نجم الثاقب» تألیف ممدت نوری - طاب ثراه - به تفصیل ذکر شده است.

در کتاب «الزام الناصب»، ۱۸۶ نام، و در کتاب «نجم الثاقب» هم ۱۸۲ نام برای آن حضرت ذکر کرده است. کسانی که طالب شرح و معانی الفاظ یاد شده و اسامی مبارک آن حضرت می باشند، می توانند به کتاب «نجم الثاقب» از صفحه ۳۱ تا ۷۰ و جلد اول کتاب «الزام الناصب» از صفحه ۴۸۱ تا ۴۹۱ مراجعه فرمایند.

[۱۰] - اوپانیشار، ترجمه ممد داراشکوه (از متن سانسکریت) ج ۲، ص ۶۳۷.

[۱۱] - دلائل الامامة، ص ۲۴۴ - منتقب الاثر، ص ۵۱۹ - بهار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴.

[۱۳] - بشارات عهدین، ص ۲۴۶ - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ - لمعات النور فی کیفیت الظهور، ج ۱، ص ۱۹، نور الانوار، ص ۸۶، نور هفتم.

[۱۳] - بکرات به لغت سانسکریت نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

[۱۴] - علائم الظهور کرمانی ص ۱۷؛ لمعات شیرازی، ج ۱، ص ۱۸؛ نور الانوار، نور هفتم؛ بشارات عهدین، ص ۲۴۶ به نقل از کتاب زبدة المعارف، ذفیره الالباب و تذکره الاولیاء.

[۱۵] - بشارات عهدین، ص ۲۷۲ - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

[۱۶] - بشارات عهدین، ص ۲۴۵؛ او فواهد آمد، ص ۶۶؛ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

[۱۷] - سوره اسراء، آیه ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب الممبیه ص ۱۲۷ - ۱۲۹ مراجعه فرمایید.

[۱۸] - بار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱، ح ۲۴؛ بشاره الاسلام، ص ۹۹؛ و منتقب الاثر، ص ۲۹۲.

[۱۹] - ممتطاء در زبان هندی به معنی «مفتر» است.

[۲۰] - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ - او فواهد آمد، ص ۸۰.

[۲۱] - بار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و ج ۵۲، ص ۲۵۴ از امام صادق (علیه السلام) کافی، ج ۱، ص ۳۶، ۴۲ - مهردی موعود، ص ۱۰۳۶، ۱۰۴۵ و بسیاری از منابع دیگر از تفسیر و حدیث.

[۲۲] - او فواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.

[۲۳] - بشارات عهدین، ص ۲۴۲ - علائم الظهور کرمانی، ص ۱۷ - او فواهد آمد ص ۶۵.

[۲۴] - بار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.

[۲۵] - بار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

[۲۶] - سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

[۲۷] - عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۳۸.

[۲۸] - همان، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰ - ۱۳، ص ۱۲۴۷، کتاب مقدس.

[۲۹] - عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۷۲، بندهای ۱ - ۲، به نقل از بشارات عهدین، ص ۲۴۸ و انیس الاعلام، ج ۵، ص ۹۲، ۹۳.

[۳۰] - یسّیّ به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسّی» می نامیدند، در صورتی که خود داود شهرت و شفویت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است. (قاموس کتاب مقدس).

و اما «راعوت» زنی است از «مؤاب» که سر زمینی است در شرق دریای لوط، که با «یوغی» وصلت کرد و از او صاحب فرزندی بنام عوید - عوید - شد که جدّ حضرت داود (علیه السلام) باشد. (لغت نامه دهفرا، حرف راء، ص ۱۶).

[۳۱] - تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، بندهای ۱ - ۱۰، ص ۱۵۴۸، کتاب مقدس.

[۳۲] - به بشارت دوم، عنوان هفتم، مراجعه فرمایید.

[۳۳] - بشاره الاسلام، ص ۱۹۷، ۲۴۷، منتفب الأثر، ص ۴۷۴، مستدرک مالک، ج ۴ ص ۵۱۴ و بشار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، ج ۶.

[۳۴] - تورات، کتاب اشعیای نبی، باب دوم، بندهای ۲ - ۴.

[۳۵] - کتاب مقدس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۴۶ باب ۳۲، بندهای ۱۶ - ۱۸.

[۳۶] - کتاب مقدس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۹۰، باب ۶۵، بندهای ۲۳ - ۲۵.

[۳۷] - وادی یهو شافاظ، نام صحرایی در نزدیکی بیت المقدس است که اکنون وادی «قدرون» نامیده می شود. (لغت نامه دهفرا، حرف قاف، قدرون، ص ۱۷۷).

[۳۸] - کتاب مقدس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۷، باب ۳، بندهای ۲ و ۳.

[۳۹] - کتاب مقدس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بندهای ۱۲ و ۱۳.

[۴۰] - کتاب مقدس، کتاب عاموس نبی، ص ۱۳۳۳، باب ۴، بندهای ۱۲ و ۱۳.

[۴۱] - اخرایم؛ نام پسر دوم حضرت یوسف (علیه السلام) است.

[۴۲] - یهودا؛ نام پسر یعقوب و برادر بزرگ یوسف از مادر دیگر به نام لیا - لایلیا - است، که حضرت داود و ملوک بنی اسرائیل و حضرت عیسی (علیه السلام) از نسل او می باشند. (لغت نامه دهخدا، حرف یاء، یهودا).

[۴۳] - تورات، کتاب هوشع نبی، ص ۱۳۱۴، باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵.

[۴۴] - همان، کتاب زکریای نبی، ص ۱۳۸۲، باب ۴، بندهای ۱ - ۱۰.

[۴۵] - البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۴۳.

[۴۶] - بشار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ج ۴۷ - معانی الافبار، ص ۴۰۷.

[۴۷] - عقائد الامامیة، ج ۱ ص ۲۷۰.

[۴۸] - ظاهراً این کلمه اشاره به همان آیه شریفه: (وَأَعْرِضُوا لِقَوْمٍ مَّا اسْتَبَخْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ مَنی باشد).

[۴۹] - کتاب مقدس، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۱۷ - ۲۳.

[۵۰] - قاموس کتاب مقدس، ماده «پسر فواهر»، ص ۲۱۹.

[۵۱] - کتاب مقدس، کتاب عبی نبی، ص ۱۳۶۷، باب ۲، بندهای ۶ - ۹.

[۵۲] - کتاب مقدس، کتاب صفینای نبی، ص ۱۳۶۳، باب ۳، بندهای ۵ - ۹.

[۵۳] - کتاب مقدس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب دوازدهم، بندهای ۱ - ۱۲.

[۵۴] - کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۱ - ۸، ۲۳ - ۲۸، ۲۹ - ۳۷ و ۴۱ - ۴۶.

[۵۵] - کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱ - ۳۴.

[۵۶] - انجیل متی، باب ۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.

[۵۷] - کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱ - ۹ و ۳۲ الی ۳۷.

[۵۸] - کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶، باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ - ۴۰.

[۵۹] - انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ - ۲۷.

[۶۰] - کتاب مقدس، انجیل یوحنا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶ - ۲۸.

[۶۱] - کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، ص ۴۰۸، باب ۱۲، بندهای ۱ - ۵ و ۷ - ۱۰.

[۶۲] - کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱ - ۱۸.

[۶۳] - رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۵۲، باب ۸، بند ۱۸.

[۶۴] - رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲.

[۶۵] - رساله اول پولس به تسالونیکیان، ص ۳۳۰، باب ۴، بندهای ۱۵ - ۱۷.

[۶۶] - بهار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

[۶۷] - بشارات عهدين، ص ۲۳۷.

[۶۸] - بشارات عهدين، استدرآکات، بعد از مقدمه چاپ دوّم، ص ۱۰ و ۱۱.

[۶۹] - لمعات النور، ج ۱ ص ۲۳ - ۲۵.

[۷۱] - بشارات عورین، ص ۲۴۳.

[۷۲] - بشارات عورین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

[۷۳] - او فواهر آمد، ص ۱۰۸.

[۷۴] - همان، به نقل از جاماسب نامه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

[۷۵] - بشار الأنوار، ج ۱ ص ۱۶۴.